

پاسخ جلیلی به آمار کاهش مخاطب تلویزیون:

علمی نیست!

رئیس سازمان صداوسیما در پاسخ به سوالی درباره نتایج نظر سنجی ها بر نامه های تلویزیون و افت مخاطب گفت: نظر سنجی ها بر اساس شاخص های متنوع و قابل تفسیر انجام می شود، اتکای صرف به نتایج نظر سنجی ها در هیچ جای دنیا کار علمی نیست، باید به مجموعه شاخص ها، زمینه ها و عوامل تاثیر گذار توجه کرد. به گزارش ایرنا، پیمان جلیلی با حضور در بیست و چهارمین نمایشگاه رسانه های ایران اظهار کرد: آمار خامی که وجود دارد باید فرآوری و با شاخص های مختلف سنجیده شود. ما هر گونه کمک منصفانه و دلسوزانه رسانه به جامعه و مردم از جمله رسانه ملی استقبال می کنیم.

صدور مجوز مراکز همسرگزینی توسط وزارت ورزش و جوانان

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۱۲۰ مرکز همسان گزینی از ماه مجوز دریافت کرده و در حال فعالیت هستند، اعلام کرد: ما به هیچ سائتی مجوز نمی دهیم بلکه به مراکز مجوز ارائه می کنیم، البته این مراکز می توانند دارای سسایت هم باشند. مهدی متقی فر در گفت و گو با ایسنا، درباره فعالیت سایت های همسر یابی بیان کرد: طبق تبصره ماده ۳۷ قانون جوانی جمعیت، ما متولی صدور مجوز مراکز همسان گزینی یا فعال در انتخاب همسر هستیم و این کار را از سال ۱۴۰۱ آغاز کرده ایم. وی با تاکید بر اینکه در حال حاضر تمامی پلتفرم های فعال در این حوزه بادر یافت مجوز مراکز را تأسیس کردند تا در کنار آن فعالیت کنند، گفت: وزارت ورزش و جوانان در این حوزه پلتفرم پاسائیتی ندارد و ما آنها متولی صدور مجوز هستیم.

ضرغامی:

به اینفلوئنسر های خارجی «سیمکارت بدون فیلتر» دادیم

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: برای انعکاس بهتر جشنواره های گردشگری و صنایع دستی، اینفلوئنسر ها، رسانه های خارجی و مقامات جهانی را دعوت کردیم و به آنها سیمکارت بدون فیلتر دادیم. به گزارش ایسنا، عزت الله ضرغامی دیروز در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران تصریح کرد: وقتی اینفلوئنسری دعوت می کنیم بنده خدا باید یک سیمکارت بدون فیلتر داشته باشد چرا که ما او را صداییم کرده ایم که بیاید بگوید در ایران چه خبر است. درست است عربستان برای تبلیغ گردشگری مسی را دعوت کرده اما ما دهها میلیون دلار پول نداریم و اگر داشته باشیم هم نمی دهیم چون به اندازه کافی خودمان بدل مسی را بهتر از مسی داریم. ما صادق بوقی داریم که وقتی مردم گیلان را دعوت می کند اثرش بیشتر از خارجی هاست. به هر حال توانستیم تعدادی سیمکارت بدون فیلتر تهیه کنیم و به اینفلوئنسر ها، رسانه های خارجی و مقامات جهانی بدهیم و خوشبختانه انعکاس جشنواره گردشگری و هم جشنواره صنایع دستی ما بسیار خوب بود.

وزیر ارشاد:

باتبلیغ فیلم های سینمایی در شبکه های ماهواره ای باید محتوا بر خورد شود

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره تبلیغ فیلم های سینمایی داخلی در شبکه های ماهواره ای گفت: ابلاغیه جدیدی را به رئیس سازمان سینمایی دادم محتوا باید باین موضوع بر خورد شود استفاده از ماهواره های خارجی برای این کار توجهی ندارد. به گزارش ایسنا، محمد مهدی اسماعیلی در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران همچنین درباره بحث هایی که درباره واگذاری شبکه خانگی مطرح شده است، گفت: شبکه نمایش خانگی از منظر رئیس جمهور و دولت یک فرصت است. ما استقبال می کنیم و کار هم کار خوبی بوده است. نواقصی دارد من خود به مضامین برخی مجموعه های آن که به نمایش در می آید انتقاد می کنم اما این مانع این نیست که از این فرصت استفاده نشود.



محمد حسن خدایی

جهان پسامدرن نمایش «از نظر سیاسی بی ضرر» به نویسندگی، هدایت و کارگردانی «ابراهیم پشت کوهی»، توانسته نگاهی شوخ طعانه به مسئله «قتل حرفه ای» در یک جامعه فانتزی بیندازد. اینکه یک قاتل دون پایه و کمابیش حرفه ای به نام «زینال غیربندی» مدت هاست بیکار مانده و در سلسله مراتب بروکراتیک اداری مجبور شده به دلیل نبود سفارش کار، کشتن آدم ها را به طور موقت کنار گذاشته و برای مثال به بازجویی و تظلم کشی از آدم های بخت برگشته مبادرت ورزد، نشان از وضعیت جنگی است که باز نمیای می شود. فضای تقاطعی نمایش «از نظر سیاسی بی ضرر» به خوبی توانسته عناصر متضاد را از وضعیت های مختلف و صد البته از تاریخ های نامزمان کنار هم قرار داده و از دل این ساخت و ساز هیبریدی، یک جهان فانتزی و کمیک بسازد که در آن قتل به مثابه یک کسب و کار آبرومند و پر طرفدار محسوب شده و طرفدار دارد. اما زینال غیربندی در جایگاه یک قاتل حرفه ای نمی تواند وسوسه کشتن را کنار گذاشته و به امور سطح پایینی چون بازجویی و تظلم کشی تن دهد. بنابراین در یکی از ماموریت های غیر تخصصی اش، بار دیگر به میل غریزه اصلی اش بازگشته و دست به کشتن می زند. این مقدمه اخراج او از کار و شروع سفر اودیسه وارش در جامعه ای این چنین عجیب و غریب و جنگ است.

روزگاری افلاطون گفته بود که «درک مسائل جدی بدون مایه های طنز مسیری نیست». به این معنای ابراهیم پشت کوهی با نگاهی طنزآلود به نقد جامعه ای نشست که این روزها بسیار عبوس و خشمگین است و بحران های اینچنینی را می نماید. در زمانه ای که اغلب اجراهای تئاتری گرفتار ملال شده و بسیاری از آثار به اصطلاح کمدی، به اینچنینی و شوخی های کم مایه اروتیک تقلیل یافته اند، اجرای نمایش «از نظر سیاسی بی ضرر» همچون رایحه ای دلنشین بر فضای تئاتر ماوز بده است. انتخاب وحید آقاپور در نقش زینال غیربندی از هوشمندی کارگردان و از قضا نقتضای فضا است. بازیگری خوش فرجه

سرخه کشد. ساختار روایی نمایش مبتنی است بر اتصال با امر فانتزی و امور غیرمنتظره. بنابراین توالی صحنه ها چندان بر منطق علت و معلولی بنا نشده و اجرا انگشوده به صحنه هایی است که تماشاگران انتظارش را در افد نمایش نمی کشند. البته اینجا هم عناصری چون پیرنگ، زبان، شخصیت و موقعیت زمانی و مکانی، ساختار کلی نمایش را سامان می بخشد اما رویکرد پسامدرن نیستی اجرا به واقعیت و عزیمت به سوی جهان فانتزی، مولفه هایی چون پیرنگ و موقعیت زمانی و مکانی را از نو معنا و صورت بندی می کند. برای مثال از همان

گزارش

«ارفک» چگونه توانست کودکان بازمانده از تحصیل را حمایت کند؟

سوادآموزی در ۲۰ روز

رسیده و عمو خیاط به هر کلمه ای که می رسد آن را بخش می کند: مَرَبْ ع. بچه ها تکرار می کنند. حروف صدادار و بی صدا مثل بچه ها کنار هم می نشینند و واژه شکل می گیرد: «مربع». عمو تکرار می کند. اصل کلاس های سووادآموزی بر تکرار است؛ تکرار آن هم با صدای بلند و حرکت دستها: «انگشت های زبر کلمه و خط ببرد مَرَبْ ع». همه از رو می خوانند بجز یکی. عمو نزدیکش می شود: «بخون!» و کودک شروع می کند: مَرَبْ ع. عمو خیاط می گوید: «دوباره بخون! باید یاد بگیری، سن تون داره می گذره و اگر نتونید این کار رو بکنید، خوندن هم نمی تونید، دیکته

برای سووادآموزی کشور رقم بزنند. خواندن و نوشتن درست مثل نفس کشیدن حق تمام کودکان است، خصوصا کودکانی که آسیب، مانع از تحصیل آنها شده، حالا می خواهد هر آسیبی باشد؛ از اعتیاد و نیستی خانواده گرفته تا کار که اتفاقا یکی از اصلی ترین عوامل بازماندگی از تحصیل است. ارفک اما متخصص در این حوزه است. هفت سال کار در حوزه حمایت و آموزش کودکان کار و کودکان در معرض آسیب، از ارفک یک نهاد آموزشی در جهت ریشه کنی بی سوادی ساخته. در هر کلاس یک معلم خانم حضور دارد و عمو خیاط که آموزش را رهبری می کند. کلاس درس بچه ها به روخوانی

درباره نمایش «از نظر سیاسی بی ضرر» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت کوهی

قاتل ها هم عاشق می شوند



عکس ها از رضا جاویدی

ابتدا زینال غیربندی را مشاهده می کنیم که به علت ناموفق بودن در کار، اخراج می شود و ادامه و با درخواست شخصیت «کارآموز» در قتل پیرزنی که عمه کارآموز است مشارکت می کند. اما فرجام کار همچنان بی بولی و تنهایی است. در ادامه ناگهان سرو و کله دختری به نام غزاله پیدا شده و مسیر زندگی زینال غیربندی برای همیشه تغییر می کند. در پایان نمایش، مراسم خودکشی غزاله را مشاهده می کنیم که با ابراز عشق زینال به او نیمه کاره، راه شده و عشق جای مرگ را پر می کند. این ساختار روایی شبیه آن نکته ای است که «لرد باپرون» در رابطه با فرقی کمدی و ترازوی بیان کرده است: «تمام ترازوی ها با مرگ به پایان می رسد و تمام کمدی ها با ازدواج». ابراهیم پشت کوهی به این فرمول فیصله بخش کمدی وفادار بوده و به خوبی آن را برای خلق جهان مورد نظرش به خدمت گرفته است.

یکی از درون مایه های قابل اعتنا اما کمابیش منفی این نمایش مربوط است به خطر ناک تلقی شدن فضای فرهنگ و روشنفکری. اوچ این مسئله را می توان در شخصیت صد فر هنگ «سارتر» مشاهده کرد که چگونه یک سازمان انضباطی تاسیس کرده و تحافظه نویسندگان و هنرمندان را از زیست از یست

اداره تحت مدیریت سارتر رفته و نویسندگان و هنرمندان سابق بر این و تحت نظارت کنونی را برای ورود به جهان خلاقان آماده می کند. یک وضعیت گروتسک که در آن «بهادر هنگ» مضر شناخته شده و گویی این جرم و جنایت است که مورد استقبال کسانی چون سارتر قرار می گیرد. زینال غیربندی با تخصص قتل حرفه ای، این رسالت را می یابد که تربیت قشر فرهیخته دیروز اما گمراه کنونی را بر عهده گرفته و ذهن آنان را از دانش و آگاهی خطرناک پاکسازی کند.

در این رویکرد فانتزی به جهان، ابراهیم پشت کوهی کجا ایستاده و مشغول چه کاری است؟ باید پرسید که فانتزی به چه کار مای آید و مکانیسم آن در مواجهه با واقعیت صلب جامعه در چیست؟ تادمک گوان در کتاب «نظر به روانکاوانه فیلم» به خوبی نشان داده است که «این واقعیت که مانع میل ما بشرط امکان آن است ناسازه میل را آشکار می کند. بادر نظر داشتن این وضعیت، هر کوششی برای تحقق میل ضرورتا به فاجعه ختم می شود؛ یعنی نابودی میلی که شخص کمر به تحقق آن بسته است. ناسازه میل ما - اینکه هر چه به کسب ابژه میل نزدیک تر شویم از مادورتر می شود - توسل به فانتزی را ضروری می کند. مفهوم معمول فانتزی بر این امر متمرکز است که فانتزی ما را قادر می سازد تا میل خویش را تحقق بخشیم و ابژه ای را که در واقعیت قادر به تملک آن نیستیم، داشته باشیم. فانتزی جبرانی برای ناکامی در واقعیت است. ما در فانتزی می توانیم کامیاب شویم آن هم جایی که در غیر این صورت قادر به کامیابی نیستیم. این کارکرد فانتزی نسبتا بی ضرر است؛ گر چه ممکن است ما را از بهبود بخشیدن به وضعیتمان بازدارد دور ضیافت از وضع موجود را تقویت کند، فانتزی آنچه در واقعیت فاقد آن هستیم ضرورتا ما را به مخاطره سیاسی رهنمون نمی کند.» با این توضیح به نسبت طولانی می توان رویکرد ابراهیم پشت کوهی را در استفاده از فانتزی تا حدودی دریافت. نمایش «از نظر سیاسی بی ضرر» با هوشمندی در بی خلق جهانی است که پایی در واقعیت اینجا و اکنون مادارد و پایی در جهان فانتزی. به دیگر سخن کارگردان در دل وضعیت اینجا و اکنونی مسا، در زمانه ای این چنین دشوار و بی فروغ، جهانی خلق کرده که نه به تمامی در فانتزی غرق می شود و نه به تمامی مقهور واقعیت صلب اجتماع. بنابراین در دل این فضای «هم این هم آن»، این امکان را می یابد با کاستی های موجود اجتماع به میانجی جهان فانتزی رو برو شده و با شوخ طبعی تئاتری اش، آن ها را دستکاری و از نور صورت بندی کند. چرا که در جهان فانتزی، مرگ می تواند کسب و کار ما باشد و از نظر سیاسی هم بی ضرر به نظر آید. هر چه هست ابراهیم پشت کوهی در این اجرا توانسته یک فضای کمدی خلق کند که می خنداند و چندان اجرایی شک بدون حضور بازیگران توانایی چون اتابک نادری، گاتا عابدی، مرضیه صدایی و... ناممکن بود. یک گروه همدل که توانسته اند از نظر سیاسی بی ضرر باشند، اما از نظر تئاتری مفید جلوه کنند.



غزاله به دعوت غیر بندری

اجازه بگذارید ما بخونیم، کل کلاس علاف شده.

خانم معلم ناراحت می شود: «هیچ کس اینجا علاف کسی نمی شود؛ همه داریم کنار هم و در یک کلاس درس می آموزیم. تکرار کنید: درس می آموزیم! می آموزیم چند بخش؟» کلاس درس سرعت گرفته و عمو برای روخوانی به تصادف از میان بچه های کلاس نفراتی را انتخاب می کند. هوش ها و چشم های نوجوان شان خیره است به صفحات کتاب تانوبت شان شود. هر کدام جمله ای می خوانند و عمو از اینکه ثمره یک ماه آموزش مداوم به بار نشسته حظ می کند: «روح تازه شد پسر جان! دوباره بخون اون جمله رو» و پسر تکرار می کند: «و با سواد است.» بیست روز قبل، تمام این ۲۱ کودک مطلقا سوادی نداشتند؛ فارسی برایشان غریبه بود و نمی خواندند و نه می نوشتند. حالا اما نخستین کلمات را دارند بخش به بخش می خوانند، گویی کلاس اول ابتدایی را یک دوره فشرده ۲۰ روزه به همت آموزگاران و مربیان خود طی کرده باشند. عادت دادن بچه ها به فارسی! چه شغلی می تواند جذاب تر و سخت تر از این باشد؟ آشنا کردن آن ها به زبان نوشتن، به خواندن جملات روی در و دیوار شهر، به بحث درباره اینکه چطور یک کلمه سه بخشی را باید چهار بخشی خواند تا کلمات به یکدیگر متصل شوند. شاید بر گزار می جشن سووادآموزی برای این کودکان عجیب به نظر برسد اما شادی آموختن سواد درست مثل خودش هرگز متوقف شدنی نیست؛ قدم در راه که گذاشتی، راه تو را خواهد برد. هر جای ایران که کودکی بازمانده از تحصیل، فرصت خواندن و نوشتن بیابد، آسیبی از آینده این مملکت پاک خواهد شد و افاق پیش رو، روشن تر!

هم نمی تونید». یکی از آن گوشه کلاس، قلب می رساند: «عمو پیش بگو تویفا با چی شوت می زنه!» پسر بچه سریع می گوید: «آقا! مربع!» و کلاس پر از صدای خنده می شود. خواندن کلمه که هموار شد، نوبت به جمله ها می رسد. جملات جزوه آموزشی ارفک، کاربرد ی هستند؛ هم زبان و ادبیات فارسی را آموزش می دهند و هم بچه ها را با پستی و بلندی های زندگی آشنا می کنند: «ناظم مدرسه مراقب شاگردان است»، «هر بهار در ختان غنچه می دهند»، «غصه خوردن فایده ای ندارد، باید تصمیم درست گرفت» و «به مسافرت می روم مراقب خودت باش ای دوست خوب من». پیام ها ساده و در راستای توسعه فردی هستند؛ یادگیری نکات ساده ای درباره بهداشت، خودمراقبتی و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی.

دانش آموز دیگری هم لابه لای دور خوانی کلمات مکث های طولانی دارد. کلاس منتظر مانده تا او فته روی حرف «ر» را تلفظ کند. یکی از بچه ها اجازه می گیرد: «خانم



عکس ها از حامد خورشیدی